

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

منتشر شده در: کمونیست هود
نویسنده: اهامو اومی
برگردان: مجله جنوب جهانی
فرستنده: طاهر باختری
۱۴ می ۲۰۲۵

پان افریقانیسم در سال ۲۰۲۵ و پس از آن چگونه بدرستی تعریف می شود؟



از زمان نخستین تجلی سازمانی آن در سال ۱۹۰۰، عبارت پان افریقانیسم در اشکال مختلفی بیان شده است. برای برخی، معنای کنونی آن به عنوان اتحاد بین تمام افراد با تبار افریقائی در سراسر جهان تعریف می شود. برای برخی دیگر، پان افریقانیسم یک ایدئولوژی است که توسط عناصر مبهمی از نوع وحدت پیشتر توصیف شده تعریف می گردد. برای بسیاری دیگر نیز، پان افریقانیسم توسط افراد مشهور در رسانه های اجتماعی نمایندگی می شود که پان افریقانیسم را مجموعه ای از باورها بدون هیچ معیار تعریف کننده روشنی می دانند.

برای کسانی از ما که پان افریقانیسم را نه یک ایدئولوژی، بلکه یک هدف عینی می شناسیم، پان افریقانیسم را به عنوان آزادی و اتحاد کامل افریقا تحت یک دولت سوسیالیستی علمی در سراسر قاره تعریف می کنیم. این چارچوبی برای پان افریقانیست های انقلابی است که مفاهیم پان افریقانیسم مطرح شده توسط ایده های قوام نکرومه، سکو توره، آمیلکار کابرال و دیگران را تأیید می کنند. دلایلی که ما فروتنانه، اما قاطعانه، یک افریقای سوسیالیستی متحد را به عنوان تنها

تعریف جدی واقعی پان‌افریقانیسم پیش می‌بریم، به ماتریالیسم دیالکتیکی و تاریخی مرتبط است. منظور ما از ماتریالیسم دیالکتیکی و تاریخی، اجزای تاریخی است که ماده را تعریف می‌کنند و عناصر متناقضی که آن ماده را دگرگون می‌سازند. به عبارت دیگر، تاریخ یک چیز و نیروهائی که در طول زمان ویژگی‌های آن چیز را شکل داده‌اند.

به عنوان مثال، برای مردم افریقا («تمام افراد با تبار افریقائی، افریقائی هستند و به ملت افریقا تعلق دارند» - قوام نکرومه - «مبارزه طبقاتی در افریقا»)، دلیل این که ما در سال ۲۰۲۵ به تعداد زیاد در سه قاره و کارائیب زندگی می‌کنیم، نتیجه تمایل والای ما برای دیدن جهان نیست. این به این دلیل نیست که خدا افرادی شبیه ما را در گوشه و کنار این سیاره قرار داده است. تنها دلیل این امر این است که استعمار و برده‌داری از منابع انسانی و مادی افریقا برای ساختن ثروت جهان سرمایه‌داری غرب بهره‌کشی کردند. در نتیجه این واقعیت انکارناپذیر، در سال ۲۰۲۵ برای مردم افریقا تقلید از منطق دیگران در تعریف خود صرفاً بر اساس محل تولدشان هیچ معنائی ندارد.

این رویکرد غیرمنطقی است زیرا مردم افریقا از افریقا ربوده شده و در سراسر جهان پراکنده شدند. حتی افریقائی‌هائی که به میل خود افریقا را ترک کردند تا در کشورهای غربی زندگی کنند، این کار را تنها به این دلیل انجام دادند که استعمار منابع مورد نظرشان را در افریقا غیرقابل دسترس کرده بود. در نتیجه، یک افریقائی در برازیل می‌تواند و خوشاوندان بیولوژیکی در جمهوری دومینیکن، کانادا، پرتغال، ایالات متحده و غیره دارد. این افراد به احتمال زیاد هرگز یک دیگر را ملاقات نخواهند کرد و حتی اگر با هم روبه رو شوند، احتمالاً به دلیل موانع زبانی نمی‌توانند با هم ارتباط برقرار کنند، اما هیچ یک از اینها واقعیت تلخ و آشکار این را تغییر نمی‌دهد که آنها براحتی می‌توانند با هم نسبت داشته باشند. بنابراین، برای افریقائی‌ها پذیرش مرزهای استعماری برای تعریف خودشان منطقی نیست، به عنوان مثال: من جامائیکائی هستم و هیچ ارتباطی با سیاه‌پوستان ایالات متحده و غیره ندارم.

ثانیاً، و مهم‌تر از آن، مردم افریقا در سال ۲۰۲۵ در هر کجا که باشند، در پائین‌ترین سطح آن جامعه قرار دارند. دلایل این امر این نیست که مشکلی در مردم افریقا وجود دارد یا این که ما به اندازه کافی سخت کار نمی‌کنیم و جاهطلبی نداریم. هر کسی که در هر روز در افریقا ساعت ۵ صبح بیدار شده باشد می‌داند که این تصورات از مردم افریقا نادرست است. هر ترمینال اتوبوس در آن ساعت صبح هزاران نفر را نشان می‌دهد که بیدارند، در حال تقلا و تلاش برای شروع روز و کسب منابع برای خانواده‌های خود هستند. دلیل واقعی این که ما در همه جا در پائین‌ترین سطح قرار داریم این است که نظام سرمایه‌داری بر استثمار منابع انسانی و مادی ما بنا شده است. در نتیجه، سرمایه‌داری امروز بدون آن استثمار نمی‌تواند کار کند. به عبارت دیگر، برای این که الماس‌های دبیرز بزرگترین تولیدکننده الماس در جهان باقی بماند، مردم افریقا در زیمبابوه، کنگو، آزانیا (افریقای جنوبی) و غیره باید همچنان بشدت برای تولید الماس مورد استثمار قرار بگیرند. این سیستمی است که دولت صهیونیستی اسرائیل را به یکی از اقتصادهای اصلی تراشکاری الماس در جهان تبدیل کرده است، علی‌رغم این واقعیت که معادن الماس در فلسطین اشغالی (اسرائیل) وجود ندارد. اپل، موتورولا، سامسونگ، هرشیز، گودیوا، نستله و غیره، همگی به سیستم‌های استثماراری مشابهی متکی هستند که منابع و نیروی کار افریقا را می‌زدند تا همچنان برای آن شرکت‌های چندملیتی ثروت تولید کنند، در حالی که توده‌های مردم افریقا در جوانی بر اثر سیاه‌پیه ناشی از استخراج این منابع، اغلب به صورت دستی، جان خود را از دست می‌دهند.

در همین حال، از آنجائی که ثروت سرمایه‌داری به ادامه بی‌وقفه این نظام استثمار وابسته است، سازوکارهای نظام سرمایه‌داری باید اطمینان حاصل کنند که مردم افریقا از بیدار شدن به این واقعیت منع می‌شوند. بنابراین، حفظ نظام‌های سرکوب برای نگه داشتن محکم پای نظام بر گردن مردم افریقا در همه جا ضروری است. خواه پولیس باشد، خواه

خدمات اجتماعی و غیره، این امر صادق است. این استثمار سرچشمه مشکل را نشان می‌دهد و بنابراین، منطقاً، محل حل آن نیز باید در همین جا مورد توجه قرار گیرد. به عبارت دیگر، در حالی که می‌توانیم تشخیص دهیم که پیامدهای این استثمار ابعاد جهانی دارد، نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که این مشکل صرفاً از طریق اقدامات انجام شده در خارج از آفریقا، مانند ایالات متحده یا جاهای دیگر، حل شود.

تمام موارد فوق توضیح می‌دهد که چرا یک آفریقای سوسیالیستی متحد باید تنها تعریف واقعی پان‌آفریقانیسم باشد. سرمایه‌داری، به عنوان نیروی محرکه استثمار آفریقا و دیاسپورای جهانی آفریقا، نمی‌تواند راه حلی برای رنجی باشد که ایجاد کرده است. در عوض، منابع عظیم آفریقا – از جمله ۶۰۰ میلیون هکتار زمین قابل کشت، ثروت معدنی بی‌کران و پتانسیل جمعی مردم آن – باید به گونه‌ای سازماندهی شود که فقر و بیماری ریشه‌کن شود، از جمله:

راه‌های آموزش همه کسانی که به آموزش نیاز دارند برای افزایش مهارت‌ها جهت حل این مشکلات. و در انجام همه اینها، غرور ما به عنوان مردم آفریقا بر اساس توانائی‌هایمان در اداره زندگی خود، همراه با ضرورت احترام دیگران به ما به همین دلیل، بی‌احترامی مداوم – داخلی و خارجی – که وجود آفریقائی امروز را تعریف می‌کند، از بین می‌رود. این واقعیت پان‌آفریقانیستی، تعداد بی‌شماری از مردم آفریقا را که یک شبه از هویت آفریقائی خود شرم‌منده هستند، از بین خواهد برد. اکنون، آنچه خواهیم دید این است که همان افراد برای این که فوراً بخشی از ملت شکوفای آفریقا شوند، هجوم خواهند آورد.

پان‌آفریقانیسم انقلابی در سال ۲۰۲۵ نباید به عنوان یک خیال واهی یا صرفاً آرزوهای آفریقائی‌ها در همه جا اشتباه گرفته شود. ایجاد ظرفیت برای این واقعیت، کار واقعی و میدانی است که بسیاری از سازمان‌های پان‌آفریقانیست انقلابی اصیل به طور روزانه در آن مشغول هستند. کار برای ایجاد آن وحدت جمعی بر اساس اصولی که توسط افرادی مانند قوام نکرومه، سکو توره، آمیلکار کابرال، توماس سانکارا، رابرت سوبوکوه، لومومبا، مارکوس گاروی، امی/امی ژاک گاروی، کارمن پیررا و غیره ذکر شده است. اصولی چون انسان‌گرایی، جمع‌گرایی و برابری‌طلبی، شخصیت انقلابی آفریقائی که توسط نکرومه تبیین شده است، درک چگونگی ساختارهای حزب سیاسی همانطور که توسط توره مستند شده است، درک نقش فرهنگ در هدایت اقدامات ما همانطور که توسط کابرال بیان شده است و غیره، و بسیاری از این نوع رویکردهای فرهنگی و اصولی برای ساختن جامعه در دوران اخیر از طریق کار جمهوری سابق لیبیا و آنچه در حال حاضر در منطقه ساحل اتفاق می‌افتد، دیده شده است. این تلاش‌ها تنها افزایش یافته و ماهیت توده‌ای بیشتری پیدا خواهند کرد.

ما از یک نفر می‌خواهیم که بیان کند چرا پان‌آفریقانیسم انقلابی چیزی نیست که مردم آفریقا به آن نیاز دارند. نه فقط به عنوان یکی از ایده‌های متعدد، بلکه به عنوان تنها هدفی که تمام مشکلات جمعی ما را برطرف می‌کند. با نشنیدن و ندیدن کسی که بتواند آن ادعا را رد کند، گام بعدی این است که چگونه ما به طور جمعی آگاهی آفریقائی را در مورد ضرورت مشارکت در کار پان‌آفریقائی میدانی افزایش دهیم. اولین قدم این است که مردم اهمیت مشارکت در مبارزه سازمان یافته را درک کنند. گام دوم اطمینان از این است که این سازمان‌ها آموزش ایدئولوژیک نهادینه شده، مداوم و اولویت‌دار دارند.

آغاز جدی این کار هیچ گونه شناخت فردی به همراه نخواهد داشت. هیچ پرسنیزی به ارمغان نمی‌آورد. نیازمند تمرکز روشن و تعهد به جزئیات است، اما آنچه تولید خواهد کرد، ظرفیت رو به رشدی است که روزی خود را در نوع پان‌آفریقانیسم انقلابی توصیف شده در اینجا نشان خواهد داد که آرزوهای مردم آفریقا را در همه جا برآورده می‌کند و در عین حال ما را در موقعیتی قرار می‌دهد تا به تمام مبارزات صلح و عدالت‌طلبانه در سراسر کره زمین کمک کنیم.